

دستگیری قفل ساز قفل دزد

مأموران انتظامی مشهد با دستگیری متهم تحت تعقیب از راز ده‌ها فقره سرقت او پرده برداشت



به مرجع قضایی معرفی شد.
طبق گفته فرمانده انتظامی مشهد سرگرد
ماورمانجا این است که با وارد کردن
اتهاماتی مانند حمل مواد مخدر یا تخلفات
صنفي به افرادی که از قبل شناسایی
کرده‌اند، موجب اشتفگی طعمه خود شده
و پس از نزدیک شدن به آنان در یک فرصت
مناسب اقدام به سرقت یا خاخی می‌کنند.
شهرنژاد در مقابل به افراد ماورمانجا بید
هوشمندانه برخورد کنند. خون سردی خود
را حفظ کرده و حتماً از آن‌ها کارت شناسایی
معتبر درخواست کنند و در صورت مشاهده
موارد مشکوک موضوع را از طریق تلفن ۱۱۰
به پلیس گزارش کنند.

به چنگ قانون افتاد. فرمانده انتظامی مشهد در این باره گفت: ماوران کلانتری قاسم آباد با تحقیقات میدانی، متهم را در حال پرسش در محدوده ولووار اندیشه مشاهده و اقدامی ضربتی وی را دستگیر کردند. در بازرسی از این فرد هم یک عدد بیسیم و یک عدد کلک فلای کشف شد. سرهنگ نگهبان تصریح کرد: متهم سی و شش ساله در بازجویی‌ها به عمل آمده تاکنون به شش فقره اخاذی در پوشش مأمور پلیس اعتراف کرده است. با توجه به اینکه احتمال افزایش هر یک از این شخص متصور است، ماور تلقی پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی

به چندین مورد اخاذی زده بود. این فرد را لباس پلیس، وارد مغازه‌ها می‌شد و بیان می‌کرد که علیه‌ها شکایتی مطرح شده است یا اینکه مغازه‌دار را به گران‌فروشی متهم می‌کرد و در قبال این موضوع از فروشنده‌ها وجه نقد اخاذی می‌کرد.

این فرد که دارای سابقه کیفری است، به‌سران افرادی که مواد مخدر مصرف می‌کردند می‌رفت و از آنجا که می‌دانسته‌ان، او شکایتی نمی‌کنند. این افراد ادهد فنیست مجرمانه خود قرار می‌داد و گوشی تلفن همراه را پس‌نقد آن را اخاذی می‌کرد.

اما پس از اعلام شکایت‌ها مردمی به نیروی انتظامی، جوان مأمورمان سرانجام

خود کیسه‌ای برنجی حمل می‌کرد، مظنون و بلافاصله وارد عمل شدند و او را دستگیر کردند. در بازرسی از این فرد پانزده عدد قفل کتابی، دوازده عدد کلید، تعدادی سوزن و سمبه مخصوص باز کردن قفل و یک اهر آهن بر کشف شد.

در بازجویی‌های پلیسی از این فرد نیز مشخص شد مشتم سی و دو ساله که اعتیاد به مواد مخدر صنعتی دارد، قبلاً قفل ساز بوده است و شُبّه‌ها را پرسرزی بدون تجهیزات ایمنی، دست به سرقت قفل‌ها می‌دهد که تبحرش بازکردن آن‌ها بوده است. این فرد که شده اعتیاد رفته است، ترک اعتیاد داده بود، پس از برگشت به زندگی به دلیل بدهی‌های مکرر به صاحب مغازه و دیگر طلبکارانش، زندگی

مخفیانه‌ای برای خود شروع کرده و برای تأمین هزینه مواد مخدر دست به سرقت قفل‌ها می‌زد. بعد هم برای قفل‌ها، کلید تهیه می‌کرد و آن‌ها را در بازار روزهای مشهد می‌فروخت.

در هر صورت، این فرد پس از انتقال به کلانتری در بازجویی‌های به عمل آمده به سی فقره سرقت قفل‌های کتابی از مغازه‌ها طی ماه گذشته و فروش قفل‌های مسروقه

در جمعه بازار به افراد مال خراست اعتراف کرد.
متهم پس از تشکیل پرونده با صدور حکمی
روانه زندان شد.

● **دستگیری پلیس لباس جعلی**
 مأموریت دیگر پلیس مشهد اما مربوط به
 شهرک غرب شهر بود. دستگیری متهمی
 که در پوشش مأمور در این محدوده دست

دندانساز

در ۲۴ ساعت گذشته
مأموران پلیس دو پرونده
مربوط به سرقت و اخاذی
یک مأمور را بررسی و

گزارش

در اقدامی ضربتی عاملان این سرقت ها را دستگیر کردند. مأموریت نخست، مربوط به سه چندین فقره سرقت در محدوده خیابان آیت الله عبادی و شهید کاشانی بود. وقتی مغازه داران این محدوده از سرقت قفل های کتابی مغازه هایشان به اطلاع رسیدند، با دستور سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد پیگیری این موضوع در دستور کار ضابطان قضایی قرار گرفت.

رسیدن به نتیجه با سرخ‌هایی برای
ماموران کلانتری شهید هاشمی نژاد همراه
بود. در تمامی این سرقت‌ها قفل مغازه‌ها
بدون خسارت و به‌طور صحیح و سالم باز
شده بودند. نکته درخور توجه هم این بود که
فقط قفل‌ها سرقت شده و چیزی از داخل
مغازه‌ها دزدیده نشده بود که این نشان
می‌داد پای‌دزدی متبحر در بازکردن قفل
در میان است.

سرقت بدون تجهیزات ایمنی

تحقیقات مأموران دایره تجسس کلانتری شهید هاشمی نژاد با بررسی تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مدار بسته در محدوده سرقت‌ها ادامه داشت تا اینکه یکی از گروه‌های پیشگیری انتظامی، در نیمه‌شب چهارشنبه به مردی جوان که با

موبایل قایمی که نتوانست فرار کند

هنوز
ایران
پستگاه
پستگاه
سایق
نند.
با یک
فتداند.
ت پرت
دهد،
ندان

اوباما هوا تاريك شده بود. هنوز اوتوبوس هاي شهري در خيابان ها بودند. زن جوان مقابل ايستگاه ايستاده بود كه تلفنش زنگ خورد. اومقالا ايستگاه را تلفنش صحبت مي كرد كه ناگهان دو گوشي قاپ وتوتوسوار موباييلش را چنگ زدند و گريختند. اما هنوز زياد از صحنه دور نشده بودند كه با يك خوروسواري تصادف كرده و روي زمين افتادند. يكي از متهمان بلافاصله روي موباسيبل پريد و همدستش كه از ناحيه پا دچار اسيد شده بود، ديگر نتوانست از جايش بلند شود و شهروندان نيز

مرگ موٽور سوارين ۲ ڀر ايد ويڪ ڀڙو

در محل و در بررسی‌های اولیه مشخص شد که یک دستگاه موتورسیکلت با یک دستگاه پژو ۲۰۷ و دو دستگاه سوار، سوار پراید به دلایل نامعلومی برخورد کرده است.

ای‌ام‌داد: در این حادثه ترک‌نشین بیست‌ساله موتورسیکلت به علت شدت جراحات وارده فوت و راکب آن نیز مصدوم شد که از سوی نیروهای مدداتی به مراکز درمانی منتقل شدند.

سرهنگ دهقانی تصریح کرد: علت تامه تصادف توسط کارشناسان راهنمایی و رانندگی در دست بررسی است.

خبر

سهیل دیبا! مشخص نیست دقیقاً چه اتفاقی افتاده است. حادثه در جاده روستایی رخ داده و دور بینی هم برای ثبت لحظه حادثه نبوده است. اما هر چه بود، دروز یک موتورسوار در پی زنجیره‌ای سه خودرو دیگر دوشیز شد. به گفته جانشین فرمانده انتظامی مشهد، در پی اعلام به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، مبنی بر یک مورد حادثه، رانندگی در حفاصل روستایی گنبدواژه به امرگان توس، با فاصله‌های تصادفات شده‌به هم‌ان پی‌های امدادی به محل اعزام شدند. سرهنگ عباسعلی دهقانی افزود: با حضور مأموران



عکس خبر

انفجار در ساختمان ۵ طبقه

شهرآرا نشت گاز شهری انفجاری مهیب را در یک ساختمان پنج طبقه در مشهد رقم زد. به محض اعلام این خبر به سازمان آتش‌نشانی مشهد، فاصله‌ی قرم‌های اطافی حریق به امداد و نجات ایستگاه ۲۳ خود را به بولوار دلاروان رساندند. کانون حادثه سقف کاذب یکی واحد مسکونی در طبقه اول این آپارتمان پنج طبقه بود که شدت انفجار موجب تخریب بخش زیادی از این واحد و شکسته شدن شیشه و احداهی دیگر شده بود. طبق بررسی مأموران، شدت حادثه منزل موردنظر را غیرقابل سکونت کرده است. همچنین یک دستگاه خودروی دچرا خسارت شده است. علاوه‌براین یکی از ساکنان این ساختمان دچرا جراحات سطحی شده بود که به مرکز درمانی انتقال یافت.

جدول ۳۸۴۵

طوایف پدر اسکندر	پد برای میهمان شلوار چین	مراقب بیمار	الگوی روز شباهت	اطاعت من + شما	پارچه چارقد گلاهیگ	شب روستا ظاهر ساختمان	پدر بزرگ کوچک مجاورت	چوب تراشی سازمدر ظلم
							سپیده دم باطل کننده	
		بزرگان قطار				حاد طریق	نت میانی بی تردید	
				موسیقی یا نمایش آب بسته			سرویدیه حرف فاصله	
			کر بلای قدیم			پهروی		افت سازدهای چوبی
				رمانی از جان اشتا بن یک				معما
	ورود						رحل خط حامل	
		مین						زادگاه رازای روز عرب
							تیر مهر پیکان دار وسایل	
								افراد امین طلا
								نفس خسته

شهر خاتم

نظرها و انتقادهای خود را
در باره مطالب روزنامه
با ما در میان بگذارید.

تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
پهناک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

تاریک‌روشنای دونفره

قسمت اول

چرا...؟! این قدر خنکی؟ خدا...!! تو چرا این قدر خنکی...؟! ۳۰ میلیون...؟! ایدامه برات گوشی گرفته فقط بدلی بادهش بازی کنی...؟! سوپرالای چرت ببینی...؟! زلم اکا تام حرفی نهاده...؟! هنوز داشت گوشی را بالا و پایین می کرد و مردم زیر لب می گفت: «هنوز گوشی را داشودور و ول زد به تباریکی بیرون...؟! که بعد کدست سناه و ساکت بود...؟! ها...؟! ها...؟! باه...؟! باه...؟! کردی...؟! اقبلا زن بی اختیار خود مسیر گوشی می برد...؟! تو گوشی را از وی داشودور داشت و مست مردم گرفت...؟!...

تو که بلبلی بز بنیمن چه چوری نقشه می خونی، مرد دنده
اراجا انداخت و گاز را گرفت. تارک بد بود فقط صدای چرخ ها
و شوش ریزه های می آمد که هر از گاه از لاستیک می غلتیدند.
مرد گفت: فقط به دونه دار خواسته ام. همون می تونی
انجام بدی. حالا هر جا شک کنم باید برنم کنار و گوشه و
ای خاتم چک کنم، زن گفت: لازم نکرده، بده من بشینم
پشت فرمون. تو گوشه و دست بگیر و مسیر تعیین کن
من این قدر فکر نمی کنم. مرد ناداری. من کجا باتو بد تارکم، کجا
میرات کم گذارستم که الان این جوری مرا می پاشی می گیری، مرد
گفت: آره خوبه، خوبه، همین جوری پیش برو، بحثو فرمون
کن بز جاده خاکی خوب بلدی نشن من غریم بازی در بریاری،
زن جواب نداد. دوباره زل زده تارکی بیرون. حالا می توانستی
نقطه هایش ریز و گوشه چرخ روشن ستاره هار ببینی. آن قدر کم تار
که سو کسو بود. کم شیب کنار نمی گریخت و همان طور تارک
و سوسیه ماند بود. باید یک سره زل می زد به دشت های کنار
جاده و چند دقیقه نگاه می کرد که بتواند بوته های وحشی
را تشخیص دهد. نگاهش کمی کم رنگ تر از شب بود و جابه جا
نمی توانست ایستاد و خشک و برهوت و ریخته بود. صدای کوکیدن
در زن زبانه وحوش آورد. مرد داشت بوته ماشین را روی کوکیدن
نمی نور چراغ های جلو که رد می شد همچنان دست هایش
اراکتان می داد و غر می زد. ولی از پشت شیشه لب هایش
بی صدا بود. در میشت که باز شد صدا از لب هایش فرمون
بیرون آمد. «...همیشه... همیشه... همیشه...»
بنیمن چه چوری کار دستمون می دی، زن به آرامی گفت: من
اگر اعتماد به نفس دنیا رو داشتم با همین سرکوفت های تو
تموم شده بودم، مرد ساکت شد. زن گفت: ادامه دهنده خوب
می زانی که مرد گفت: پروا... از پشت فرمان نشست.
ماشین از جاده شد و یکهو خاموش کرد. مرد هر زمان باخته
کو تا هاش صدایی شبیه پرفر پرفر پرفر از لب هایش بیرون
داد. زن دوباره استارت زد. مرد گفت: کم ریند! زن نگاهش
نکرد. همان طور زن زده به رویه و گرفت: حالا خودت سالی
دوازده ماه کم ریند نمی بندی، علامه کنویم من شد شدی
علامه احتیاط! و کم ریند را بست.

مرد حالا داشت توی گوشی نگاه می کرد. گفت: «اتن نادر»
 زن گفت: «زیاد خودت تو ناراحت نکن. منگه این آخرین سفرمون
 نیست؟»
 مرد گفت: «کاش خودمون همون مشهد بود که به مجبور
 باشیام برای امری تمام کردن همین به خنله اهر هم می چسبم»
 زن جواب داد: «مرد هوووو کشید. گفت: «جی بی ایست هم
 که روشن نیست یانه» زن گفت: «وسط غرغات خاموش کردم»
 ... که اگر به اماشت نداد. بایشت دست نگو نه اش را گرفت. مرد
 گفت: «کرو ساحت کش شد. زن با بغوره تو گلویش گفت: «کدوم
 روی برم، مرد گفت: «این احمص هم کار می کنه! اگه این
 پولوا رو می ریخته توی اشغالا بهتر بود.» بعد به مسیری دوطرفه
 نگاه کرد. من می کرد. بعد گفت: «از چپ برو» زن گفت: «الکی
 تو بویابم کم می شیم» مرد گفت: «برونه یاتر می ریم»
 زن گفت: «با منم همین کار و کردی» «جی» با منم تایجی می
 کار زندگی کردی حالا می خوی برگردی» مرد گفت: «مگه تو
 از خدات نیست؟» زن جواب داد: «شن وسنگریزه شاهه خاکی
 زیر چرخه هاسا دادند و ماشین از مسیر چپ به حرکت ادامه
 داد» زن گفت: «۱۰ دقیقه بعد خودشان را راتوی مسیر
 دیدند که خاکی می شد و درخت های بلند بسیار از دو طرف
 روی سقف ماشین خم شده بودند. زن گفت: «گمونم کم
 شدیم» مطمئن بازم» مرد گفت: «بذار وصل بشه. ببینم
 کجاییم اصلا. کندترن بایتن آتن دهی شون» زن گفت: «اون
 چه؟» مرد ندرن gaze را گرفت ونوری دید که از پشت بوته ها
 پرت می کند...»

عروسی آتش

شهرآرامش حادثه دیدگان آتش سوزی عروسی در شهر ک
الاحداییه عراق در حال افزایش است. ساعت ۵:۰۵ دقیقه
شبه شبی، پس از شروع آتش بازی در این عروسی
آتش سوزی مهیبی به وقوع پیوست و دیو سرخ و سیاه به جان
همه آنان افتاد و طبق گزارش ها تاکنون صد تن جان باخته
و یانصد تن مجروح به جای گذاشته است. عروسی و داماد
هم جزو قربانیان این فاجعه غم انگیز هستند. اما خبرها
حاکمی از این است که سالن عروسی بدون تدابیر ایمنی
بوده و استفاده از روشک های قابل اشتعال و کم هزینه
در ساختمان ممکن است به گسترش سریع آتش دامن زدن
باعث ریختن بخش هایی از سقف شده باشد. همچنین
سختی خروج از در تالار، باعث افزایش تعداد قربانیان شده
است. زخمی ها به بیمارستان های سراسر منطقه نینوا منتقل
شده اند. همچنین گزارش شده است که ۹ متهم در ارتباط
با آتش سوزی الاحداییه دستگیر شده اند اما هیچ نشانه ای
مبنی بر قصد مجرمانه در این آتش سوزی وجود ندارد. در پی
این حادثه تعدادی از رهبران سیاسی و دولتی عراق، خواهان
تحقیقات فوری درباره دلایل این آتش سوزی شده اند. وزارت
امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هم، آمادگی بخش های
بهداشت و درمان مسلمانان را برای مساعدت به آسیب دیدگان
این اتفاق اعلام کرده است.

کشف چندین جسد در کیسه

قی‌آرتی‌اچندین جسد در نقاط مختلف کشور مکزیک کشف شده است. مقامات ایالت نووو لئون این کشور اعلام کردند که حداقل یک جسد و همچنین پنج کیسه پر از اعضای بدن انسان کشف شده است. در این میان، به دلیل نیکه شدن برخی اجساد آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان اعلام نشده است. همچنین بیان شده است که اجساد می‌توانند متعلق به اعضای کارتل‌های مواد مخدر در ایالت تاماولیپس باشند.